

تفاوت زن و مرد در عرصه عقل از دیدگاه نهج البلاغه

چکیده

زهرا تیموری^۱

این مقاله به تبیین و بررسی تفاوت‌های زن و مرد پیرامون خطبه ۸۰ نهج البلاغه پرداخته شده است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) این تفاوت‌ها را در سه محور همراه با بیان فلسفه و علل آن توضیح داده است. خطبه مذکور بعد از جنگ جمل توسط حضرت علی (علیه السلام) ایراد شده و در آن صریحا از نقصان ایمان، عقل و ارث زنان صحبت شده است. در تفسیر این خطبه، میان شارحان نهج البلاغه اختلاف است. برخی در سند و صدور آن از سوی امام (علیه السلام) اشکال کرده‌اند، برخی نیز آن را قضیه حقیقی و مشتمل بر همه زنان دانسته‌اند و کمال‌پذیری زن را ناممکن دانسته‌اند؛ حال آنکه ا تصاف زن به «ناقص الایمان» و «ناقص العقل» بودن با تعالیم قرآن سازگاری ندارد. باید گفت مقصود امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقص واقعی ایمان و عقل به طور عموم و نقص سهم الارث به طور کلی نمی‌باشد. هدف حضرت در این خطبه بیان تفاوت‌هایی است که زنان در انجام عبادات، شهادت در دادگاه و ارث بردن در مقایسه با مردان دارند. این مقاله به روش کتابخانه ایی جمع آوری و به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش شده است.

کلید واژه: ارث، ایمان، عقل زن، نقصان عقل، نهج البلاغه

^۱ طلبه، سطح دو حوزه علمیه خواهران کریمه اهل بیت (ع) تهران.

مقدمه

آنچه مایه کمال است، در آن جهت تفاوتی بین زن و مرد نیست و آنچه که موجب تفاوت است، نقشی در کمال ندارد. بنابراین آنجا که از مشورت با زن منع شده، یا ناظر به فرد خاصی است یا ناظر به این جهت است که چون زن در صحنه نبود و اطلاعات لازم سیاسی اجتماعی نداشت و به جوانب امر آگاه نبود؛ لذا نباید طرف مشورت قرار می‌گرفت؛ هم‌چنین آنجا که زن نکوهش شده، مراد طبیعت و ذات زن نیست، بلکه منظور زن پرستی است. جایگاه زن در نظام ارزشی اسلام، یکی از مباحثی است که از دیرباز توجه پژوهشگران را به خود جلب نموده است و با مرور زمان و بروز نیازها کاوش‌ها، عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌گردد. در این تحقیق و پژوهش، گاه به مواردی برمی‌خوریم که ظاهراً از زن با مذمت و بی‌احترامی یاد شده است؛ مانند برخی تعابیر زیر که در نهج‌البلاغه می‌خوانیم:

الْمَرْأَةُ شَرُّ كُلِّهَا وَ شَرُّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا^۱ زن همه‌اش شر است و شرتر از آن این است که چاره‌ای از او نیست.

الْمَرْأَةُ عَقْرَبٌ حُلْوَةُ اللَّسْبَةِ^۲ زن مانند عقرب است که نیش شیرین، ولی زهردار دارد.

إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ وَ عَزَمَهُنَّ إِلَى وَهْنٍ^۳ «از مشاورت با زنان بپرهیز که رأیشان سست و تصمیم‌شان ناقص است».

حال این سوال مطرح است که آیا این احادیث می‌توانند مبین جایگاه واقعی زن، در نظام اسلامی باشند و اگر این چنین نیست، پس علت این تعابیر چیست؟ و چگونه توجیه می‌شوند؟ برای فهم نظر دین در یک موضوع باید آیات و روایات متعدد و گاه به ظاهر متناقض را کنار هم گذاشت و پس از بررسی و نقض و ابرام همه اینها نتیجه گرفت که نظر دین در این زمینه چیست. در این مورد نیز نیازمند بهره‌گیری از یک چنین شیوه‌ای هستیم. آیات و روایات بسیاری مبین این حقیقت است که

^۱ نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، حکمت ۲۳۸

^۲ همان، حکمت ۶۱

^۳ همان، نامه ۳۱

زن در نظام اسلامی از همان جایگاهی بهره‌مند است که مرد از نظر ارزش انسانی و امکان رسیدن به کمالات انسانی داراست.

هم‌چنین قرآن در مورد امکان رسیدن برابری زن و مرد به کمالات انسانی تصریح می‌کند: «مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان مؤمن و زنان مؤمن، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع خدا ...». برای همه آن‌ها خداوند مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.^۱

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد، خواه زن، درحالی‌که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد».

مشاهده و تجربه این معنا را ثابت کرده که مرد و زن دو فرد از یک نوع و از یک جوهرند که نامش انسان است، چون تمامی آثاری که از انسانیت در صنف مرد مشاهده می‌شود در صنف زن نیز مشاهده می‌شود آن هم بدون هیچ تفاوت. به طور مسلم ظهور آثار نوع دلیل بر تحقق خود نوع است. پس صنف زن نیز انسان است. بلی این دو صنف در بعضی آثار مشترک - نه در آثار مختص از قبیل باردارشدن و از نظر شدت و ضعف اختلاف دارند ولی صرف شدت و ضعف در بعضی از صفات انسانیت، باعث آن نمی‌شود که بگوییم نوعیت در صنف ضعیف باطل شده و او دیگر انسان نیست.^۲ در خلقت مرد و زن، مرد که در زبان عربی به رجل تعبیر می‌شود،^۳ جنس مذکر از مردم در برابر زن است که در عربی به امرأه از آن تعبیر می‌شود.^۴

براساس آموزه‌های قرآنی، حقیقت مرد و زن یکسان است و هر دو از یک چیز که در قرآن از آن به «نفس» تعبیر شده، آفریده شده‌اند.^۵ در کلام دیگر حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «ایّاکَ وَ

مُشَاوَرَهٗ مِنْ جُرْبَتٍ بِکَمَالٍ عَقْلٍ

^۱ نحل: ۹۷

^۲ المیزان، ترجمه، ج ۲، ص ۱۴۰

^۳ قاموس قرآن، ج ۳، ص ۵۸

^۴ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۶۵؛ مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۳۴۴

^۵ نساء: ۱

از مشورت با زنان بهره‌یزید مگر زنانی که کمال عقل آنها آزمایش شده است»^۱.

مقصود از سخن فوق نفی هر گونه مشورت با هر زنی نیست چرا که زنان مؤمنه و کسانی که از نظر عقلانی رشد یافته هستند باید مورد مشورت قرار گیرند.

تالیفاتی چند که در این زمینه شده است:

کتابخانه دیجیتالی تبیان، تفاوت‌های زن و مرد از منظر امام علی(ع) با نگرش روان‌شناختی، نویسنده:

مریم معین‌الاسلام

مقاله نگاهی بر تفاوت‌های زن و مرد از دیدگاه نهج‌البلاغه، نویسندگان: شهسواری گوغری احسان/

موحدی‌نیا جواد/ رشیدی سمیه/ شهسواری گوغری امین

مقاله نقد و بررسی دیدگاه‌های مربوط به خطبه‌ی هشتم نهج‌البلاغه، نویسندگان: ناصر قربان‌نیا/

معصومه حافظی

دیدگاه عقل در اسلام

اسلام حجت و برهان برای گویندگان و گواه روشن برای دفاع‌کنندگان و نور هدایتگر برای روشنی

خواهان و مایه فهمیدن برای خردمندان و عقل و درک برای تدبیرکنندگان فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِّمَنْ عََلَقَهُ، وَ

سَلَامًا لِّمَنْ دَخَلَهُ، وَ بُرْهَانًا لِّمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ، وَ شَاهِدًا لِّمَنْ خَاصَمَ عَنْهُ ... وَ فَهْمًا لِّمَنْ عَقَلَ.^۲

و برای کسی که خود را به آن وصل نمود موجب ایمنی قرارداد و برای کسی که در آن داخل گشت

عامل صلح و صفا، و برهان برای کسی که با اسلام سخن گفت، و شاهد برای کسی که درباره آن با

دیگران به احتجاج پرداخت. خداوند اسلام را نوری برای کسی که طلب روشنائی از آن نمود، قرارداد

و فهمی برای کسی که تعقل ورزید. اسلام عالیترین فهم و واقعیات را برای فهمیدن در اختیار کسی

می‌گذارد که تعقل نماید. چنانچه انسان با گرایش به اسلام و پذیرش عقائد و عمل به دستورات آن با

عالیترین واقعیات ارتباط برقرار می‌کند، به فهم برین که عبارتست از: دریافت عالی تر درباره واقعیات

^۱ کافی، شیخ کلینی، ص ۳۲۹، ج ۵.

^۲ فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۶

نائل می‌گردد. هر کسی که از این فهم برین محروم است، در حقیقت از اشراف عالی بر واقعیات محروم است. و حضرت علی(علیه السلام) در ادامه خطبه می‌فرمایند: وَلَبَّاءُ لِمَن تَدَّبَّرَ، وَآيَهُ لِمَن تَوَسَّسَ، وَتَبَصَّرَهُ لِمَن عَزَمَ....

خداوند سبحان اسلام را مغزی قرار داد برای کسی که اندیشید، و علامت برای کسی که فراست و فهم برین بکار انداخت و مبنائی برای انسانی که دارای عزم و تصمیم(برای خیرات) است!....^۱ لذا کسی که عقل اش را به کار ببندد تدبّر است، چون فلسفه این است. فیلسوف کسی است که با دلیل و برهان صحبت می‌کند عزم بعد از تفکر است. بعد عزم هم فرمودند بصیرت ایجاد می‌شود بصیرت یعنی دیدن فلسفی و تفکری.

ارزش عقل و خرد در نگاه مدیریت

در خطبه‌ای از امام همام که در نکوهش مردم بصره در سال ۳۶ هجری پس از جنگ جمل ایراد فرمودند عوامل سقوط جامعه را بهره‌نبردن از عقل می‌دانستند، کُتُم جند المرأ، و اتباع البهيمه؛ رعا فَأَحْبَبْتُمْ، وَعُقِرَ فَهْرِبْتُمْ، أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ، وَ عَهْدُكُمْ شَقَاقٌ...^۲ شما سپاه یک زن و پیروان حیوان(شتر عایشه) بودید وقتی حیوان فریاد برآورد شما اجابت کردید، و زمانی که پی‌شد گریختید و تا دست و پای آن قطع گردید فرار کردید. اخلاق شما پست و پیمان شما از هم گسسته، دین شما دورویی و آب آشامیدنی شما شور و ناگوار است.(یعنی شما مردم بصره از عقل خودتان استفاده نکردید.

ارزش عقل و خرد در نگاه فلسفی

حضرت علی(علیه السلام) هدف و فلسفه زندگی را در یکی از خطبه‌هایی که ایراد فرمودند بیان می‌نمایند.

^۱ جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۶، گزیده‌ای از ص ۲۹۳- ۲۸۵

^۲ فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۳

ناقص العقل بودن زنان، (خطاب نواقص العقول)

این خطبه پس از جنگ فراغت از جنگ جمل بیان شده، جنگ جمل فاجعه‌ای بود که به رهبری عایشه به راه افتاد و هزاران نفر از مسلمانان در آن کشته شدند. طبری تعداد قربانیان این جنگ را حداقل ۱۰ هزار نفر کشته در اطراف شتری که به عنوان نشان و علامت جبهه عایشه بود ذکر نموده است. خطابات موجود در این خطبه در حقیقت موشکافی یکی از زمینه‌های روانی، شخصی و شخصیتی فاجعه جمل و به گفته یکی از مفسرین و مورخین مشهور اهل تسنن، تعریضی به رفتار عایشه می‌باشد. هذا کله رمز الی عایشه.

عبارت خطبه نهج‌البلاغه به هیچ وجه در مقام تحقیر زنان به طور مطلق نیست بلکه صرفاً تبیین تفاوت تکوینی و تشریعی در مورد توانایی‌های زن و مرد و لزوم تطبیق وظایف عدول از این توانایی‌ها و وظایف فردی زمینه‌ساز فجایی مانند آنچه در جمل گذشت می‌گردد.

عقل زن و مرد

۱- عقلی که معیار کمال و قرب الهی است: العقل ما عبْد به الرحمان و آکْتَسَبَ به الجنان.

عقل آن است که با آن خدا پرستش شود و بهشت‌ها به وسیله آن به دست آید، چنانچه یادآور شدیم این عقل همان عقل و زانو بند هواها و امیال نفسانی است. چنانچه حضرت علی‌بن‌ابیطالب (علیه‌السلام) در این خصوص می‌فرمایند: «خرد هدایت کند و برهاند و نادانی گمراه و هلاک کند.»^۳

^۱ طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۴۷۲.

^۲ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۶، ص ۲۱۴.

^۳ غرر و درر، باب جهل، ص ۳۸۳.

۲- عقل حسابگر: ابزاری است که کاربرد آن بیشتر در تنظیم معاش و سیاست است. در این زمینه هرچند به طور معمول مرد از زن پیشی می‌گیرد ولی این معیار کمال نیست بلکه نوعی تقسیم کار طبیعی و تکوینی است. و در مقابل آن زن نیز از مهر و عاطفه افزون‌تری برخوردار است.

نواقص الایمان

تعبیر نواقص الایمان اشاره به ترک عباداتی چون نماز و روزه می‌باشد. در ایامی در حکم الهی ترک عبادت است نه محروم بودن از قرب و منزلت آنان نزد خداوند نسبت به مردان، چرا که در قرآن از زنانی نام برده که در جوار خود جای داده است. قرآن از زبان آسیه می‌گوید: «رَبِّ اِبْنِ لِي عُنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»^۱ بنابراین مسئله این است که اگر ایمان را مانند نردبانی فرض کنیم دارای مراتبی است قطعاً کسی که پیوسته از پلکان بالا می‌رود با کسی که هرزگاهی به هر دلیل از حرکت باز می‌ایستد تفاوت خواهد داشت. در اینجا هر دو به حکم الهی عمل می‌کنند و احکام شرعی مربوط به هر کدام نیز مبتنی بر مصالح و مفاسد نفس‌الامری و مقتضیات تکوینی خاصی است که دست ما از آنها کوتاه است.

این مسئله که زنان زودتر از مردان به سن تکلیف می‌رسند و عبادت بیشتری انجام می‌دهند. پس در این صورت صحیح نیست که بگوئیم که مردان محروم از عبادت‌اند و کمتر عبادت خدا را می‌کرده‌اند.

نواقص الحفظ

بیان یک مسئله حقوقی است. توجه به ساختار کلی اقتصادی خانواده نشان می‌دهد که اسلام بار مالی خانواده را تماماً برعهده مرد نهاده و تأمین نیازهای اقتصادی زن را اعم از تهیه مسکن، خوراک و پوشاک و وظایف مرد دانسته است. و سخن امیر مؤمنان (علیه‌السلام) ناظر به بخش خاصی از احکام حقوقی و در نتیجه مقصود از عقل در اینجا عقل کمال‌بخش نیست تا نقصان آن ضربه‌ای به شخصیت و منزلت زن بزند بلکه مربوط به فعالیت قوای عاطفی زن است.

^۱ تحریم: ۱۱

نتیجه‌گیری

یکی از تفاوت‌های غیر قابل انکار بین زن و مرد تفاوت از حیث قوای دماغی و عقلانی و عاطفی است. البته لازم به تذکر است مقصود از عقل، عقل نظری است چرا که در عقل عملی نه تنها زنان ضعیف‌تر از مردان نمی‌باشند بلکه گاهی نیز بر آنها غلبه می‌نمایند. به عبارت دیگر عقل تئوریک و تحلیل‌گر و فرضیه‌باف و فلسفه‌پرداز و عقل سیاسی - اجتماعی در مردان، دامنه و قدرت بیشتر و گسترده‌تر دارد. به طور کلی عقل خشک - ریاضی و تفکر محض نظری در صنف مردان بیش از زنان فعال است ولی عقل عملی که به کمال و صعود انسانها مربوط است در مورد مرد و زن مساوی است. اگرچه دنیای عقلی و دنیای شهودی و عاطفی زنان متفاوت است. لکن این مسأله دخالتی در ارزشگذاری انسانی ندارد و عقل عملی که به کمال و صعود انسانی مربوط است در مرد و زن مساوی است، قیاس و استقراء و حل معادلات ریاضی و چیدن صغرا و کبرا، یک فن است نه یک ارزش انسانی. و اگر نوع مرد در این جهت با نوع زن متفاوت است و کمیت چنین نیرویی در آن دو یکسان نباشد هرگز به معنی کسر شأن یکی و قدر قیمت دیگری نیست، به ویژه که در درک حیات و کمال معرفت الهی و رشد اخلاقی و اراده که همه به عقل عملی مربوط است زن و مرد مساوی‌اند. و درک برخی حقایق لطیف عاطفی و شهودی برای زنان آسان‌تر از مردان است و در این نوع ادراکات، زنان حتی قوی‌ترند. یکی از تفاوت‌هایی که حضرت علی(علیه‌السلام)، در بیان حد عقلی بین زن و مرد به آن اشاره داشته‌اند مسأله نواقص العقول است که حضرت در خطبه ۸۰ به این مسأله توجه داشته‌اند که همان طور که گفتیم منظور از این نقص به معنای نقص ارزشی نیست بلکه در عرصه مسایل خشک عقلانی و نظری زنان نسبت به مردان ضعیف‌تر هستند، و ضعف و نقصان زنان در این مسأله به بالندگی و تکامل زنان در عرصه‌های ارزشی هیچ گونه آسیب جدی وارد نمی‌نماید.

علاوه بر تفاوت در حد عقل نظری در میان زنان و مردان، تفاوت در عواطف هم وجود دارد. طبیعی است که زنان به خاطر رسالت مادری و همسری خود، از شدت عواطف بیشتری برخوردار هستند که این مسأله به خودی خود برای زن، بسیار ارزشمند است چرا که غرایز و عواطف در آدمی سرچشمه

همه نوع حرکت و فعالیت است و بنا بر تعبیر روان‌شناسان موتور اصلی حرکت و فعالیت مادام‌العمر در انسان، عواطف می‌باشد و نوع و شدت و ضعف آن تأثیر خاصی در زندگی فردی، اجتماعی انسان دارد.

حاصل کلام این‌که آنچه مایه کمال است، در آن جهت تفاوتی بین زن و مرد نیست و آنچه که موجب تفاوت است، نقشی در کمال ندارد. بنابراین آنجا که از مشورت با زن منع شده، یا ناظر به فرد خاصی است یا ناظر به این جهت است که چون زن در صحنه نبود و اطلاعات لازم سیاسی اجتماعی نداشت و به جوانب امر آگاه نبود؛ لذا نباید طرف مشورت قرار می‌گرفت؛ همچنین آنجا که زن نکوهش شده، مراد طبیعت و ذات زن نیست، زن‌پرستی منظور است.

فهرست منابع:

- قرآن کریم
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، فرهنگ‌نامه لغات قرآنی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا
- جمال الدین ابن منظور، لسان العرب، مفردات الفاظ قرآن کریم، دار الفکر للطباعة و النشر، الأنصاری الرویفی الإفريقي (المتوفی: ۷۱۱هـ)، الناشر: دار صادر بیروت، الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۴ هـ
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۶۸، هـ ش
- جعفری، محمد تقی، ترجمه و شرح تفسیر نهج البلاغه، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۹ هـ ش
- ابن میثم (کمال الدین میثم بن علی میثم بحرانی)، شرح نهج البلاغه، (مترجمان سید محمد صادق عارف و حبیب روحانی)، چاپ چهارم، ۱۳۸۹ هـ ش
- فیض الاسلام، علی نقی، نهج البلاغه، انتشارات فقیه، چاپخانه گهر، ۱۳۷۵ هـ ش
- ابی‌الحدید، فخرالدین ابوحامد عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم محمد باقر کمره‌ای، چاپ نهم، چاپ اسلامی، ۱۳۷۹ هـ ش
- ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا
- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد علی انصاری، ناشر: امام عصر (عج)، چاپخانه: مهر، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۲ هـ ش
- جوادی آملی، عبدالله، زن در آیین جلال و جمال، مرکز نشر فرهنگ رجا، چاپ دوم، ۱۳۷۱ هـ ش.
- غالب طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر، تاریخ طبری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا
- غلامی، یوسف، گزیده کتاب عقل متفاوت زنان، برگرفته از سایت <http://taaghche.com/book/100369>
- رکوندی، سیدمجتبی هاشمی، روان‌شناسی زن، انتشارات شفق، ۱۳۷۹. بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا